

برنام‌ها

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

کلیدهای کشف و پرورش

هشت هوش

در کودکان

کیتی کوک

مترجم: الهام محمدپور

www.saberinbooks.ir

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور
 کوک، کیتی
 : کلیدهای کشف و پرورش هشت هوش در کودکان / نویسنده کیتی کوک؛
 مترجم الهام محمدپور.
 تهران، صابرین، کتابهای دانه، ۱۳۹۹.
 ۱۸۸ ص:؛ مصور.
 کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان.
 ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۵-۳۸-۴ : شابک
 فیپا.
 وضعیت فهرست نویسی
 یادداشت
 عنوان اصلی: 8Great Smarts: Discover and Nurture Your Child
 Intelligences, 2016

موضوع
 موضوع
 موضوع
 موضوع
 موضوع
 شناسه افزوده
 رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی
 هوش های چندگانه — جنبه های مذهبی — مسیحیت
 Multiple Intelligences -- Religious Aspects -- Christianity :
 هوش — جنبه های مذهبی — مسیحیت
 Intellect -- Religious Aspects -- Christianity :
 هوش های چندگانه
 Multiple Intelligences
 محمدپور، الهام، ۱۳۶۸-، مترجم
 BV ۴۵۰۹/۵ :
 ۱۵۳/۹ :
 ۷۵۲۷۴۴۹ : شماره کتابشناسی ملی



کتابهای دانه

مؤسسه انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

کلیدهای کشف و پرورش هشت هوش در کودکان

دکتر کیتی کوک

مترجم	الهام محمدپور
ویراستاران	مژده هاشمی و مهسا مهدی لو
اجرای طرح جلد	بابک کثیری
حروفچینی و صفحه آرایی	فاطمه بابایی
چاپ اول	۱۴۰۰
تعداد	۲۰۰۰
لینوگرافی	باران
چاپ جلد	اکسیر
چاپ متن و صحافی	پژمان

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۵-۳۸-۴

حقوق ناشر محفوظ است.

قیمت ۳۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	سخن ناشر
۷	پیشگفتار
۱۰	۱. من چگونه باهوشم؟
۳۲	۲. من با استفاده از هوش‌هایم باهوش خواهم بود!
۴۶	۳. من هوش کلامی دارم: من با کلمات فکر می‌کنم
۶۴	۴. من هوش منطقی دارم: من با سؤالات فکر می‌کنم
۸۲	۵. من هوش تصویری دارم: من با تصاویر فکر می‌کنم
۱۰۱	۶. من هوش موسیقی دارم: من با ضرباهنگ و موسیقی فکر می‌کنم
۱۱۹	۷. من هوش بدنی دارم: من با حرکت و لمس کردن فکر می‌کنم
۱۳۹	۸. من هوش طبیعت‌گرا دارم: من با الگوها فکر می‌کنم
۱۵۶	۹. من هوش مردم‌گرا دارم: من با مردم فکر می‌کنم
۱۷۴	۱۰. من هوش درون‌فردی دارم: من با تأمل فکر می‌کنم

سخن ناشر

خواننده محترم، کتاب پیش روی شما یک جلد از **کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان** است.

کتاب‌های این مجموعه، با وجود ارتباط موضوعی، هریک از نظر مطلب مستقل‌اند: **آمادگی برای زایمان**، روش‌های مناسب و صحیح شیر دادن، تولد فرزند دوم، نقش پدر در تربیت کودک، پرورش کودک تیزهوش، **آموختن به کودکان درباره خدا**، سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، پرورش فرزندان **امیدوار** و موفق، **کلیدهای رفتار با نوجوانان** و نیز مطالب متنوع و جالب دیگری که به روش‌ها و مشکلات تربیتی کودکان و نوجوانان تا سنین بلوغ می‌پردازد، موضوع کتاب‌های این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

روش نویسندگان این کتاب‌ها، آموزش شیوه‌های عملی به والدین است. در نتیجه، هر کتاب از فصل‌های متعددی تشکیل شده است که هر فصل به توضیح یک روش کلیدی می‌پردازد. **مجموعه کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان**، علاوه بر پشتوانه علمی و معتبر خود، از زبانی ساده برای توضیح مطالب و انتقال آن‌ها به خواننده استفاده کرده است که برای عموم مادران و پدران جوان قابل استفاده خواهد بود.

مؤسسه انتشارات صابرین

پیشگفتار

من معمولاً سفرهای کاری دارم و دخترانم می‌دانند که سالی یکی دو مرتبه با من به «سفر بابایی» می‌آیند. ^۱ آنرا، دختر وسطی ما، از همان اول صبح سفر، مهم نیست چقدر زود باشد، از خواب بیدار شده و تا چند روز بعد که به منزل برگردیم در حال صحبت کردن است. او با هرکسی که گوش بدهد، حرف می‌زند: من، خدمه پرواز، غریبه‌ها و حتی خودش. او «هوش کلامی» (و حتی بیشتر از آن «هوش مردم‌گرا») دارد.

به تازگی، دختر کوچکمان، آلی، ^۲ در یک «سفر بابایی» به واشنگتن دی سی ^۳ با من بود. او خیلی پرانرژی‌تر از من بود و نیاز داشت که مدام در حال انجام دادن کاری باشد. ما در بعد از ظهری که وقت اضافی داشتیم به دیدن موزه تاریخ طبیعی اسمیتسونیان ^۴ رفتیم. او عاشق مشاهده اشیا آنجا بود، ولی هنگامی که تقریباً نزدیک پایان روز اتاقی پیدا کردیم که پر از نمونه‌های سنگ و فسیل بود و می‌توانستیم آن‌ها را انتخاب کرده، لمس کنیم، به آن‌ها دست بزنیم و زیر میکروسکوپ بررسی‌شان کنیم، او کاملاً شیفته به نظر می‌رسید. نمونه‌ها یکی پس از دیگری از جعبه خارج شده، بررسی شده و دوباره به سر جای خود برگردانده می‌شدند. اگر ما آن اتاق را زودتر پیدا کرده بودیم، وقت خود را برای اشیا دیگر صرف

1. Anna

2. Ali

3. Washington DC

4. Smithsonian Museum of Natural History

نمی‌کردیم. آلی «هوش طبیعت‌گرا» و «هوش بدنی» دارد.

آبیگیل^۱، بزرگ‌ترین دختر ما، به‌نظر خجالتی می‌آید، ولی چرخ‌های ذهنی‌اش مدام درحال چرخیدن هستند. او درحال پردازش، تحلیل و مخصوصاً برنامه‌ریزی است. او «هوش منطقی» دارد! شبِ حملات تروریستی پاریس در نوامبر ۲۰۱۵، او کاملاً ساکت و توخودش بود. مدتی طولانی بعد از اینکه ما فکر می‌کردیم او خوابیده باشد، از اتاقش بیرون آمد. او در این مدت با استفاده از «هوش کلامی» شعری برای این تراژدی و قربانیان آن نوشته بود. مانمی دانستیم که اتفاقات آن روز تا چه حد او را اذیت کرده بود. او «هوش فردگرا» دارد.

این اطلاعات نه فقط به من - هنگامی که با دخترها در سفر هستم - کمک می‌کند، بلکه بیشتر برای همسرم در آموزش بهتر و مؤثرتر آنها در خانه مفید بوده است. همچنین ما می‌توانیم آنها را به سمت کارهایی سوق دهیم که در وقت‌های آزاد خود لذت ببرند و زمانی که متوجه می‌شویم هوش‌ها آنها را به سمت لجبازی می‌برند، رفتارشان را دوباره هدایت کنیم.

علی‌رغم اینکه به سبب اشتباه‌اجدادمان توانایی‌ها و انگیزه‌ها برای مدیریت دنیا ناکام مانده، ولی ندای دعوت ما همچنان باقی است. اقرار به اشتباه‌هایمان و دانستن ضعف‌هایمان باعث انکار خلقت منحصر به فردمان برای مدیریت جهان خداوند نمی‌شود، بلکه در رستگاری، ما به طبیعت‌خدادادی‌مان که شامل «هوش»‌هایمان می‌شود، فراخوانده می‌شویم.

بنابراین، مانند زمانی که از کیتی درباره «هوش‌های» چندگانه چیزهایی آموختم و این کتاب را به دیگران پیشنهاد کردم، این بار هم خواندن آن را به شما توصیه می‌کنم. وارد شوید و بیشتر درباره فرزندانتان و در ادامه

همسرتان، دوستانتان و خودتان اطلاعات کسب کنید. حاضرم شرط ببندم (چون من «هوش منطقی» دارم و تقریباً از پیش فکرهايم را کرده‌ام) که شما از توصیه من سپاسگزار خواهید شد.

جان استون استریت^۱

من چه نوع هوشی دارم؟

مقدمه‌ای بر هوش‌های اصلی هشت‌گانه

«بیایید بایم!»

«دخترها، مانمی خواهیم دیر بشه.»

«مامان، دوباره وقت رفته.»

معمولاً تینا^۱ و دو دخترش، راشل^۲ دوازده‌ساله و آبی^۳ سیزده‌ساله، بین اجرای پیانو، اجرای گروهی سرود بهاره‌مدرسه، تک‌خوانی آبی، تمرین‌های نمایش و خانه در رفت‌وآمد بودند. تینا از کمک به آن‌ها خوشحال بود، اما مطمئناً احساس راننده بودن داشت.

اینکه هر دو دختر در این حوزه‌ها فعال هستند، جای تعجب ندارد. هوش‌هایی که در خردسالی بچه‌ها به فعالیت درمی‌آیند، به احتمال بیشتری به توانمندی تبدیل می‌شوند؛ دقیقاً همان چیزی که اتفاق افتاده بود. توانایی‌های هوش موسیقی و نیز هوش بدنی آن‌ها خیلی زود فعال شده بود، زیرا والدینشان به موسیقی تمایل داشته و همیشه حواسشان بود که این‌گونه فعالیت‌ها (در برنامه بچه‌ها) وجود داشته باشد. توانایی‌های هوش تصویری بچه‌ها نیز فعال شده بود و به آن‌ها در تصور و

1. Tina

2. Rachel

3. Abbie

پذیرش نقش‌هایشان در اجرای موزیکال کمک می‌کرد.

زمانی که آبی و راشل در مقطع پیش دبستانی بودند، با استفاده از فیلم‌های موزیکال باکیفیت زمینه فعال کردن دست‌کم سه تا از هوش‌های هشت‌گانه آن‌ها یعنی هوش موسیقی، هوش تصویری و هوش بدنی فراهم شد. من، تینا و پدرشان جف^۱ به شوخی می‌گفتیم که اگر کسی یک بازی بی‌ربط دربارهٔ پرنسس‌های دیزنی و فیلم‌های باربی بسازد، دخترها می‌توانند در آن برنده شوند. آن‌ها بارها و بارها فیلم‌ها را دیده بودند، بعضی از دیالوگ‌ها را حفظ کرده بودند و وانمود می‌کردند که سیندرلا^۲ یا آریل^۳ هستند.

بسیاری از ویدئوهایی که دخترها تماشا می‌کردند، موزیک‌های کلاسیک حیرت‌انگیزی داشتند که به دست برخی ارکسترهای برتر جهان ضبط شده بود. آن‌ها در سن بسیار پایین صدای ادوات موسیقی زیادی را در ترکیب‌های خوبی شنیده بودند و هوش موسیقی‌شان فعال شده بود. همچنین، فیلم‌هایی که به سرعت حرکت می‌کردند، باعث تحریک قدرت خلاقیت و تصویرسازی در آبی و راشل شده و هوش تصویری‌شان را فعال کرده بود. آن‌ها با دیدن و تقلید حرکت‌های شخصیت‌های فیلم، از چرخش و پرش به تعادل و درک چگونگی کارکرد بدن خود رسیده بودند. این حرکت‌ها هوش بدنی‌شان را فعال کرده بود.

البته، چیزهای دیگری هم هست. والدگری جف و تینا همین‌جا متوقف نشد. به سبب واکنش آن‌ها به علائق مشهود دخترها به موسیقی، هوش دخترها فقط در حد فعال شدن باقی نماند. آن‌ها تقویت شدند و مهم‌تر از آن تعلیم یافتند. تینا و جف تصمیم گرفتند که دخترها را در کلاس رقص ثبت‌نام کنند. این تصمیم خردمندانه در واقع، احترام به علاقه شدید دخترها به باله بود که از تماشای فیلم‌ها نشئت می‌گرفت. آن‌ها تا

1. Jeff

2. Cinderella

3. Ariel

امروز هشت سال متوالی است که در حال گذراندن درس‌ها هستند. من این شانس را داشتم که در اولین اجرای رقص آن‌ها حاضر باشم. آن‌ها در دامن‌های بُراق و چسبان و روپوش‌های مخملی پف‌دار خود ستودنی بودند. آن‌ها هم درست مانند بقیه گروه در بخشی از رقص به حضار خیره شدند، سپس، به دخترهای نزدیک خود نگاه کردند و بعد چند قدم رقصیدند. آن‌ها میان مبتدیان جوان حیرت‌انگیز به نظر می‌رسیدند.

بعضی از اجراکننده‌های نوجوان برای تمرکز بر رقص انتخاب شده بودند. به هوش بدنی و هوش موسیقی آن‌ها توجه شده و تعلیم یافته بودند. یکی از آن‌ها به شدت من را تحت تأثیر قرار داد. به اعتقاد من، او نسبت به بقیه رقصنده‌ها توانایی هوش موسیقی بیشتری داشت. اگرچه بقیه دخترها بر اساس ریتم می‌رقصیدند، من حس کردم او واقعاً موسیقی را لمس می‌کند. او احساسات شعر را با حالت‌های چهره و گردش دست‌هایش تفسیر می‌کرد. این مثالی زیبا از چگونگی کارکرد هوش‌های هشت‌گانه کنار یکدیگر است. آن‌ها به ندرت به تنهایی عمل می‌کنند. هوش موسیقی او راه را برای استفاده از توانایی‌های هوش بدنی‌اش هموار می‌کرد. حالا آبی و راشل نیز می‌توانند این کار را انجام دهند. آیا کودکان شما علاقه‌مند به فوتبال، بازی‌های ویدئویی، ریاضی یا خواندن هستند؟

هوش‌های چندگانه چیست؟

پیش از دانستن درباره هوش‌های چندگانه، در بخش قبلی از دو دختری نوشتم که خلاق و اهل موسیقی بودند. من آن‌ها را با استعداد می‌نامم.

سپاسگزار تحقیقات دکتر هوارد گاردنر^۱ و این واقعیت زیبا هستم که راشل و ابی خلاق، اهل موسیقی و با استعدادند، زیرا آن‌ها باهوش هستند.

مسئله مهم چیست؟ هوش کلمه‌ای قدرتمند است. همه می‌خواهند باهوش باشند. همان‌طور که در فصل‌های بعدی به آن اشاره خواهم کرد، اگر کودکان باور کنند که برخلاف دیگران باهوش نیستند، می‌توانند تسلیم شوند و دست از کار بکشند. آن‌ها انتظارات خود را برای اکنون و آینده کم می‌کنند. امکان دارد به رسالتی که خداوند برعهده آن‌ها قرار داده است، عمل نکنند. این درباره بزرگسالان نیز صدق می‌کند. زبان قدرتمند است و کلمات مهم هستند.

من عاشق فرصت تفکر درباره کودکان و بزرگسالان از طریق هوش‌های چندگانه هستم. وقتی معلم کلاس دوم بودم، برایم دردناک بود که متوجه شدم بعضی از بچه‌ها قبلاً خودشان را «باهوش» یا «غیرباهوش» طبقه‌بندی کرده بودند. والدین آن‌ها هم این طبقه‌بندی را کرده بودند که احتمالاً بچه‌هایشان هم از همان‌جا یاد گرفته بودند. من عاشق فهم زبان هوش‌ها بودم. من می‌توانستم توضیح بدهم که چگونه پل^۲، تریسی^۳، ورتی^۴ و دیگران باهوش بودند. این مسئله می‌توانست روابط خویشاوندی، تحصیلی، سالی که کنار ما بودند و نیز آینده آن‌ها را به‌گونه متفاوتی رقم بزند.

من بزرگسالان بسیاری را دیده‌ام که مجال تحصیلات بعد از دبیرستان رانداشته‌اند. مادر من با وجود هوش بسیار یکی از این افراد بود. او درباره این مسئله، دست‌کم تا حدودی، شک داشت، زیرا هیچ‌گونه مدرک رسمی‌ای نگرفته بود. او همیشه از تدریس من درباره این موضوع لذت می‌برد و فکر می‌کنم همین موضوع یکی از دلایل آن باشد.

1. Howard Gardner

2. Paul

3. Tracy

4. Worthy

مادر من می‌توانست جزئیات مهم اخبار را به‌یاد بیاورد و بادقت آن‌ها را تحلیل کند. او کمپین‌های سیاسی متعددی را به‌صورت هم‌زمان برای پدرش رهبری می‌کرد. با هارمونی آواز می‌خواند و فهم خوبی از موسیقی کلاسیک داشت. املا و انشای او خوب بود و به همین دلیل در انجمن‌های گوناگون کار می‌کرد. او برای خیلی‌ها دوست صادقی بود و می‌توانست مثل پدرش که سیاستمداری با استعداد بود، در یک اتاق پر از افراد کاملاً غریبه کار کند. مادر من باهوش بود. با استفاده از هوش‌های چندگانه ما می‌توانیم برای دیدن شواهد هوش در زندگی، به چیزی بیشتر از مدارک قدیمی رتبه‌ها و درجه‌ها نگاه کنیم.

باینکه تقریباً پانزده سال پیش بود، ولی هنوز هم به‌یاد می‌آورم که در انتهای یک سمینار برای مربی‌ها، خانمی به سمت من آمد. او کاملاً هیجان‌زده بود و من می‌دانستم که اشک‌های فراوان او اشک شادی است. خودش را کمک معلم معرفی کرد و گفت که هیچ‌وقت مراحل تدریس خود را به‌طور کامل نگذرانده است، چون فکر نمی‌کرده که به‌اندازه کافی باهوش باشد. او گفت: «من می‌روم ثبت‌نام کنم تا فوراً آن را به پایان برسانم! من باهوشم.»

من منحصر به فرد هستم! هیچ‌وقت برای کشف چیزهای بیشتر درباره خودتان دیر نیست. من واقعاً امیدوارم، چون حقایقی در این صفحات هست که به شما به‌عنوان یک زن یا مرد و سپس یک والد، پدر بزرگ یا مادر بزرگ، معلم یا کسی که با بچه‌ها سروکار دارد، خیر می‌رساند. اینجاست قدرت وجود دارد. بیایید منحصر به فردتر شوید.

پدر تئوری هوش‌های چندگانه، دکتر هوارد گاردنر از دانشگاه هاروارد است. اولین کتاب او در این باره در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید. همکار سابق او، دکتر تام آرمسترانگ^۱، نسخه عامه‌پسندتری از کار دکتر

1. Tom Armstrong

گاردنر رانوشته بود. من از طبقه‌بندی او برای هوش‌ها استفاده کرده‌ام:

هوش‌های هشت‌گانه		
موارد مرتبط	طبقه‌بندی دکتر گاردنر	طبقه‌بندی دکتر آرمسترانگ
کلمات	ذکاوت زبان‌شناختی	هوش کلامی
سؤال‌ها	ذکاوت منطقی-ریاضی	هوش منطقی
تصاویر	ذکاوت فضایی	هوش تصویری
ضرباهنگ/موسیقی	ذکاوت موسیقایی	هوش موسیقی
حرکت/لمس	ذکاوت بدنی-جنبشی	هوش بدنی
طرح‌ها	ذکاوت طبیعت‌گرا	هوش طبیعت
مردم	ذکاوت برون‌فردی	هوش مردم‌گرا
تأمل	ذکاوت درون‌فردی	هوش خود

شاید شما با این تئوری که بعضی از مردم راست مغز و بعضی چپ مغز هستند، آشنا باشید. با وجود این، بسیاری از محققان باور ندارند که این تئوری، همان‌طور که زمانی تصور می‌شد، بتواند علت تفاوت بین افراد را توضیح دهد. بسیاری از ما تئوری هوش‌های چندگانه را برای درک روش‌های مختلف مردم در یادگیری و پردازش ایده‌ها دقیق‌تر می‌دانیم.

طبیعت و تربیت

دکتر گاردنر این موضوع را مطرح کرد که همه افراد با یکی از این هوش‌های متمایز به دنیا می‌آیند و باینکه نیاز به فعال کردن دارند، ولی همان‌جا هستند و از بدو تولد در وجود هر انسانی قرار داده شده‌اند. خداوند از طبیعت (ساختار ژنتیکی) و تربیت ما (تجربه‌ها و نگرش‌های اطرافمان) استفاده می‌کند تا ما را برای همان منظوری که خودش

می خواهد خلق کند. دکتر گاردنر این مسئله را به این صورت مطرح می کند که: «من مخالف دوگانگی ارث در برابر یادگیری هستم و در عوض، بر تعامل بین ژنتیک و عوامل محیطی، از همان بدو لقاح تأکید دارم.»

خداوند هنگام آفرینش، ترکیب منحصر به فرد ژن های ما را برای پرورش نعمت هوش های چندگانه انتخاب می کند. او این کار را برای شما و تک تک فرزندانان انجام داده است. او انتخاب می کند که کدام هوش قوی تر باشد. او شما را به عنوان والد انتخاب کرد. نوع تربیت شما مهم است.

اگر کودکی با والدینی بی احساس یا غایب، فقر، خشونت یا هرگونه عامل منفی دیگری بزرگ شود، ممکن است هوش های او در طول دوران زندگی ضعیف تر هم بشوند. این مسئله ممکن است تا حدودی به دلیل دروغ هایی باشد که این کودکان با پرورش در چنین موقعیت هایی درباره خودشان باور می کنند؛ «من مهم نیستم»، «من چیزی نمی شوم» و «نظر من مهم نیست». کودکی که این حقایق را باور داشته باشد، هرگز برای سرمایه گذاری روی خودش و پرورش گنج های پنهان وجودش خود را به زحمت نمی اندازد. کیفیت تربیت شما مهم است.

متأسفانه، هوش های بعضی از بچه ها به صورت کامل پرورش پیدا نمی کند. شاید دلیل آن بیماری یا کسالت باشد. مثلاً مری^۱ دختر بزرگ یکی از دوستانم، ناتوانی شدید ذهنی و جسمی داشت و توانایی های او اندازه یک بچه دو ماهه بود. با این حال، وقتی میکی^۲ درباره این مسئله صحبت می کند که برجسته ترین هوش مری هوش موسیقی و مردم گراست، لبخند بر لب دارد. تربیتی که مری داشته باعث ایجاد این تمایزها شده است. با اینکه رشد مری خیلی محدود است، ولی به موسیقی و مردم اطرافش واکنش نشان می دهد. مثلاً، وقتی که یک پرستار

1. Merry

2. Miki

جدید وارد می شود، والدین مری یاد گرفته اند که از ارزیابی سریع او برای تصمیم گیری درباره استخدام این فرد استفاده کنند. اگر مری این پرستار را دوست نداشته باشد، به طرز خاصی به مادرش نگاه می کند و میکی هم متوجه می شود که نباید او را استخدام کند.

طبیعت و تربیت باهم تعیین می کنند که کدام هوش کودک شما را علاقه مند می کند. اینجاست که علائق باعث پدیدار شدن توانمندی ها می شوند. بعضی از هوش ها تبدیل به توانایی می شوند، بعضی ها ممکن است اصلاً رشد نکنند و بعضی هم در جایی میان این دو نقطه باقی بمانند. شما با ابراز عقاید سالم و مثبت و فراهم کردن طیفی از تجربه های جالب برای فرزندان در رشد هوش ها و استعداد کامل او با خداوند همکاری می کنید. نوع تربیت شما، بسیار مهم است.

فعال کردن هوش ها

آبی و راشل نشان دادند که فعال کردن زود هنگام هوش های کودکان چقدر سودمند است. در این صورت، احتمال بیشتری دارد که این هوش ها به توانمندی تبدیل شوند. به همین دلیل است که این دخترها هنوز، هم می رقصند و هم پیانو می نوازند. راه های زیادی برای فعال کردن این هوش ها وجود دارد. شما می توانید با پسران به کشف چیزهای ناشناخته بروید، برای دختران تجربه هایی جدید خلق کنید یا اینکه با خانواده در رویدادهای فرهنگی حضور داشته باشید.

هیچ وقت برای فعال کردن بخشی از مغز دیر نیست و این تا سال ها جزئی از توانایی ما باقی خواهد ماند. در این قسمت مطلبی قرار داده شده است که من درباره صدبیلیون نورونی که داریم، یعنی سلول هایی که مجرای اطلاعات در مغز ما هستند، در مقاله صفحات نمایشگر و نوجوان ها: ارتباط گرفتن با کودکانمان در جهانی بدون بی سیم ها نوشته ام:

فقط حدود بیست درصد آن ارتباط ها را خداوند نهاده کرده

است. آن‌ها مسئول چیزهایی هستند که ما یاد می‌گیریم ... ارتباط بین بقیه هشتاد درصد نوروں‌های مغز ما را کارهایی شکل می‌دهند که تا پیش از بیست و پنج سالگی انجام می‌دهیم. انجام دادن چندباره یک کار منجر به ارتباط ثابت و محکم بین سلولی نمی‌شود، ولی بر اثر تکرار عقاید، باورها و رفتارها این نتیجه به دست می‌آید. آن‌ها در مقایسه با ارتباط‌هایی که خداوند طی بارداری در وجود ما نهادینه می‌کند، ضعیف‌تر هستند، ولی هرچه بیشتر از آن‌ها استفاده کنیم، محکم‌تر می‌شوند. من شاکر خداوند هستم که با افزایش سنمان هنوز هم می‌توانیم چیزهای جدید یاد بگیریم!

آیا دلگرم شدید؟ باید بشوید! در بیست و پنج سالگی امکان دارد تغییرات زیادی در مغز رخ دهد و ما حتی بعد از آن هم می‌توانیم به یادگیری ادامه دهیم. بله!

بنابراین، ممکن است هوش خاصی به دلیل شروع دیر هنگام قوی نباشد، ولی همه هوش‌ها را می‌توان بهبود بخشید و پرورش داد. همچنین، می‌توان آن‌ها را از کار انداخت که من این مسئله را در فصل دوم توضیح خواهم داد.

با اینکه هوش‌های ما همیشه باهم کار می‌کنند، مثل راشل و آبی که با توانایی هر دو هوش موسیقی و بدنی خود می‌رقصند، قصد من از این کتاب، نوشتن درباره «کودکان دارای هوش طبیعت‌گرا»، «کودکان دارای هوش مردم‌گرا» و ... است؛ نه بدین معنا که این کودکان از هوش‌های دیگر بی‌بهره هستند، بلکه برای بهتر فهمیدن شما، باید هر کدام از آن‌ها را جداگانه توضیح دهم.

رشد باقی می‌ماند

مطالب بیشتری هم هست. آیا می‌توانید دو بادکنک را که یکی ترکیده و

باد آن خالی شده و دیگری را که هرگز استفاده نشده است، تصور کنید؟ شما می‌توانید بگویید علت آن چیست، مگر نه؟ وقتی یک بادکنک منبسط شده و کش می‌آید، دیگر هیچ‌وقت به اندازه اولیه خود بر نمی‌گردد. مغز نیز همین‌گونه است. کارهایی که در بچگی انجام می‌دهید بخشی از مغز شما را بسط می‌دهد و این بخش برای همیشه از چیزی که در ابتدا بوده است بزرگ‌تر می‌شود. این پیشرفت‌ها دلیل محکمی برای این است که طیفی از تجربه‌های مختلف را در تمام سنین و مراحل برای کودک خود فراهم کنید.

درست مثل من. در گذشته نوازنده ویولا^۱ بودم. با اینکه بیش از سی سال است که به آن دست نزده‌ام، ولی اگر هر دوی ما آن را برداریم و شما تابه‌حال ویولون نواخته باشید، من بهتر از شما خواهم نواخت. تجربه‌ها ابتدا هوش‌های ما را فعال می‌کنند و سپس آن‌ها را رشد می‌دهند. به همین علت، من می‌توانم زودتر از کسی که تابه‌حال هیچ‌گونه ساز زهی را یاد نگرفته است، نواختن ویولون را یاد بگیرم. وقتی هوشی فعال می‌شود، هرگونه استفاده از آن آسان‌تر خواهد بود. دلگرم باشید!

چگونه درک هوش‌های چندگانه به کودکان کمک می‌کند؟

درک هوش‌های اصلی هشت‌گانه فواید شگفت‌انگیز زیادی دارد. آیا کنجکاو هستید؟ ادامه مطلب را بخوانید.

بهبود اعتماد به نفس

همه بچه‌ها می‌خواهند باهوش باشند. وقتی پسر شما شک دارد که باهوش است یا نتیجه می‌گیرد که باهوش نیست، می‌تواند پیش از شروع تکلیف یا گوش دادن به حرف‌های شما یا معلم شکست بخورد. آیا دختر

۱. Viola: نوعی ساز از خانواده ویولون